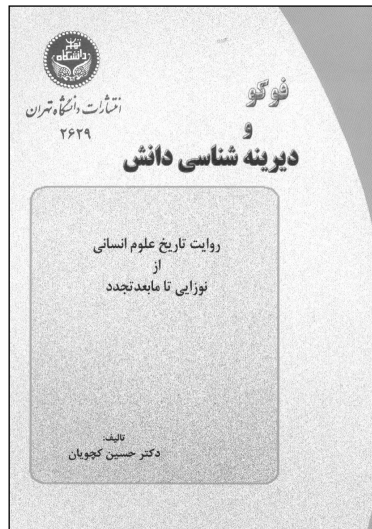


تفسیر سوژه گرایانه از دیرینه‌شناسی دانش

محمدامین قانع‌راد

استادیار مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور



- فوکو و دیرینه‌شناسی دانش: روایت تاریخ علوم انسانی از نوزایی تا مابعد تجدد
- حسین کچویان
- انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۳۸۲، ۲۶۰ صفحه، ۱۵۰۰ نسخه، ۱۶۰۰ تومان

انتشار اولین جلد تاریخ جنسیت (۱۹۷۶) مبین این بود که احتمالاً از مدتها پیش محور کارهای فوکو تغییر مجددی یافته و به مسئله خود و اخلاق معطوف شده است. بخشی از پیچیدگی اندیشه‌های فوکو به این مراحل مختلف فکری بازمی‌گردد که خود او گاه کوشیده است رابطه آنها را به صورت روشن‌تری بیان کند. فوکو در سالهای پایانی عمرش و در جلد دوم تاریخ جنسیت با عنوان درک لذت خود را مورخ و تحلیل‌گر بازیهای حقیقت توصیف می‌کند: بازیهای حقیقت و خطا که از طریق آن هستی به لحاظ تاریخی به عنوان تجربه ساخته می‌شود. این تفسیر، کل آثار فوکو را در یک رشته منطقی قرار می‌دهد و انسجام و یکپارچگی آنها را برجسته‌تر می‌کند.

نسبت فوکو با نظریه‌های پدیدارشناسی، ساختارگرایی، اگزیستانسیالیسم، مارکسیسم و هرمنوتیک نیز همچون یکی دیگر از نقاط اختلاف میان شارحین و ناقدین فوکو، در مقدمه این کتاب به بحث گذاشته می‌شود. نسبت بین روشهای دیرینه‌شناسی و تبارشناسی و چرخشهای فوکو در کاربرد این دو روش نیز از مسائل مورد توجه نویسنده کتاب است. به نظر نویسنده محترم انتقال فوکو به روش تبارشناسی که به ویژه با انتشار کتاب مراقبت و تنبیه مشخص می‌شود، به معنای رد روش دیرینه‌شناسی و چهار اثر عمده او یعنی دیوانگی و تمدن، تولد درمانگاه، نظم اشیاء و دیرینه‌شناسی دانش نیست. دیرینه‌شناسی صرف‌نظر از تحولات بعدی اندیشه فوکو همیشه به مثابه روشی برای مطالعه علم و معرفت از اعتبار لازم برخوردار است و مطالعه آن مستقل از تبارشناسی ارزش خاص خود را دارد.

۱- فوکو و دیرینه‌شناسی دانش با مقدمه‌ای تحت عنوان «فوکو: موضوعی دشوار» آغاز می‌شود. بدنه اصلی کتاب از سه فصل تشکیل شده است که به ترتیب عبارت‌انداز: «روش دیرینه‌شناسی: روشی برای کاوش در اعماق ناآگاهی»، «حاصل دیرینه‌شناسی در سرزمین کهنه دنیای جدید: لایه‌های پنهانی دانش غرب از نوزایی تا تجدد» و «شناسانه تجدد: تولد موجودی عجیب‌الخلقه به نام انسان». عنوان بخش پایانی یا مؤخره کتاب نیز «حاصل یک زندگی: تلاش برای گذر از تجدد» است. بدین ترتیب کتاب از یک مقدمه، سه فصل و یک نتیجه‌گیری تشکیل شده است.

۲- کچویان که به دلیل ضرورت‌های ناشی از کار بر رساله دکتری خود در زمینه رابطه معرفت‌شناسانه میان دین و جامعه‌شناسی تجدد به مطالعه دیدگاههای میشل فوکو کشیده شده، سرانجام مطالعات خود را در این زمینه تدوین و در قالب این کتاب ارائه می‌کند تا با توجه به کمبود منابع فارسی در مورد اندیشه‌های فوکو، خوانندگان ایرانی را با این اندیشه‌ها آشنا سازد.

۳- پیچیدگیها، تعارضها، تناقضها و مشکلات اندیشه‌های فوکو از دید شارحین و منتقدین مختلف فوکو، در مقدمه کتاب، ارزیابی می‌شود. مؤلف در اندیشه‌ها و آثار فوکو سه محور کلی را تشخیص می‌دهد: حقیقت، قدرت و خود/ علم، سیاست و اخلاق؛ که سه دوره عمده تحول فکر فوکو را نیز نشان می‌دهند. مسئله حقیقت یا علم مسئله اصلی دوره اول فکری، تا زمان انتشار نظم اشیاء (۱۹۶۶) است. از آن پس تدریجاً و به ویژه در مراقبت و تنبیه (۱۹۷۵) مسئله قدرت و سیاست محور اصلی اشتغالات و تأملات وی شد.

۴- فصل اول کتاب به معرفی روش دیرینه‌شناسی اختصاص دارد. فوکو با روش دیرینه‌شناسی خویش در پی پاسخگویی به مسائل فلسفی یا معرفت‌شناسانه اما از نظرگاهی تاریخی است. البته این نگاه تاریخی به دلیل رد تمامیت‌گرایی، غایت‌گرایی، انسان‌شناسی و انسان‌گرایی با تاریخ سنتی متفاوت است. از نظر فوکو، تاریخ خود را در انقطاعات و گسیختگیها نشان می‌دهد. فوکو میراث فلسفه‌های تاریخ را کنار می‌گذارد تا با رویکردی متفاوت به تاریخ حقیقت بپردازد. روش دیرینه‌شناسی به فوکو امکان می‌دهد تا تغییرات معرفتی، یا پیدایش حدود تازه و نه تداوم حدود معرفت قبلی را فراتر از آگاهی عاملین تاریخی و بدون ارجاع به غایات از پیش تعیین شده درک کند.

مؤلف با استناد به آراء برخی از شارحین فوکو نتیجه می‌گیرد که در رویکرد دیرینه‌شناسی رابطه‌ی جامعه و دانش با دید متداول در جامعه‌شناسی دانش متفاوت است. دیرینه‌شناسی با تأثیر عوامل اجتماعی بر محتوای نظریه‌های علمی سروکار ندارد، بلکه به چگونگی درهم تنیدگی علم و جامعه، نقش علم در جامعه و زمینه‌سازی جامعه برای علم می‌پردازد. هر چند فوکو به ارتباط میان حوزه‌ی اعمال گفتمانی و غیرگفتمانی توجه دارد، اما می‌کوشد از خطاهای سنت مارکسیستی و تقلیل دانش به اعمال غیرگفتمانی رهایی یابد.

۵- فصل دوم کتاب به بررسی سامانه‌های معرفتی (episteme) عصر نوزایی و کلاسیک می‌پردازد. از نظر فوکو، تجربه‌ی نظم و تجربه‌ی گونه‌ای از بودن

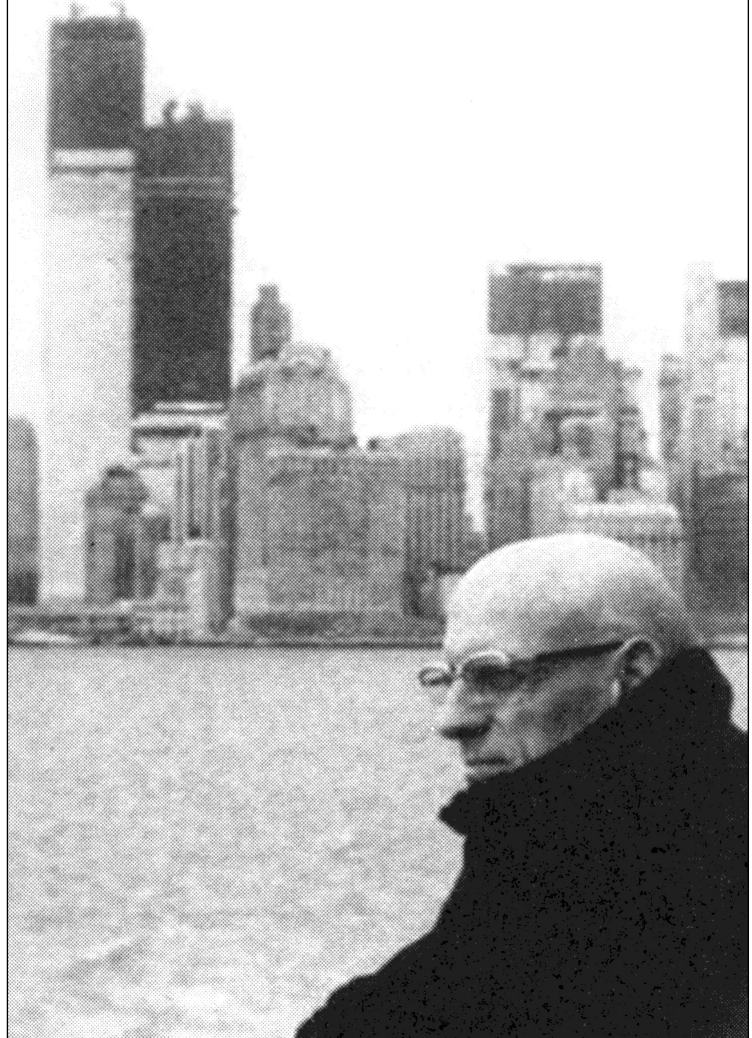
است که بنیان هر سامانه‌ی معرفتی یا با ترجمه‌ی مؤلف کتاب «شناسانه» را می‌سازد. این تجربه ناظر بر ارتباط میان هستیها و نوع پیوند میان موجودات است و درک هر عصری از معرفت در این تجربه از نظم ریشه دارد. هرگاه تجربه‌ی نظم تغییر کند و پیوند جدیدی میان هستیها حس گردد، معرفت، صورت نوعی تازه‌ای می‌یابد و دانش به شکل جدیدی درخواهد آمد. در عصر نوزایی، نظم موجود میان هستیها، نظمی برآمده از مشابهت است و پیوندی که هستیها را به یکدیگر وصل می‌کند، پیوند همگونی و تشابه است. در عصر کلاسیک ذهن هر چیز را موشکافانه به اجزای خود تجزیه می‌کند و خصوصیات منفرد هر شیء و شباهتها و تفاوت‌های آنها را با مقایسه مشخص می‌سازد. از آنجا که شناخت عصر کلاسیک به جای جستجوی مشابهتها به دنبال تمایزبخشی، جداسازی و درک خصایص منفرد اشیاء است، تجربه‌ی بلافصل، در برابر نقل سنت علمی گذشتگان قرار می‌گیرد و نقش محوری و بنیانی می‌یابد و از این طریق علم تجربی راه خود را از تاریخ جدا می‌سازد.

فوکو اعتقاد دارد که پیامد وضع وجودشناختی جدید نشانه‌ها، گسیختگی پیوند دیرینه میان دانش و لاهوت و علم و تقدس است. در عصر کلاسیک، زبان در خدمت بیان مشابهتها و شباهت‌آفرینی نیست، بلکه کار آن عرضه و ارائه معانی اشیاء یا تصاویر واقعیت‌های ادراک شده است. از این پس نه مسئله تفسیر بلکه مسئله نقد یعنی پاسخ به این سؤال که چگونه زبان از عهده‌ی کارکرد خود برمی‌آید، مسئله اصلی زبان را تشکیل می‌دهد.

۶- سومین فصل کتاب با عنوان «شناسانه‌ی تجدید: تولد موجودی عجیب‌الخلقه به نام انسان» به طور مفصل به دیرینه‌شناسی دانش در عصر مدرن می‌پردازد. تحولاتی که به پیدایی سامان معرفتی مدرن منجر گردید، طی دو مرحله خود را ظاهر ساخت. در مرحله اول در جریان کارهای نظری متفکرینی چون آدام اسمیت، لامارک و ویلیام جونز در سالهای ۱۷۹۷-۱۷۷۵ درک جدیدی از مفاهیم نیروی کار، ساخته‌های اندام‌وار و صرف لغات حاصل می‌شود که مقدمات شکل‌گیری موضوعات جدیدی به جای موضوعات عام عصر کلاسیک یعنی تحلیل ثروت، تاریخ طبیعی و زبان‌شناسی عمومی می‌گردد. در مرحله دوم طی سالهای ۱۸۲۵-۱۷۹۷ صورت کاملاً مدرن این مفاهیم در حوزه اقتصاد، زیست‌شناسی و لغت‌شناسی خود را نشان می‌دهد و این مرحله با کارهای ریکاردو، جورج کاویه و فرانس بوب به کمال می‌رسد. ظهور درک تاریخی، شاخه‌شاخه شدن

روش دیرینه‌شناسی به فوکو امکان می‌دهد تا تغییرات معرفتی، یا پیدایش حدود تازه و نه تداوم حدود معرفت قبلی را فراتر از آگاهی عاملین تاریخی و بدون ارجاع به غایات از پیش تعیین شده درک کند

از نظر کچویان دیرینه‌شناسی دانش مرحله‌ای کنار گذاشته شده نیست و فوکو حتی در تاریخ جنسیت هنوز به کار دیرینه‌شناسی می‌پردازد



دانش و ظهور علوم جدید، و اهمیت فضای زمانی به جای فضای مکانی از ویژگیهای این عصر است. دانشهای مدرن سه قلمرو متمایز یا فضایی سه بعدی را می‌سازند: دانش فلسفی، دانشهای ریاضی و فیزیک، علوم تجربی یا دانشهایی نظیر اقتصاد، زیست‌شناسی و لغت‌شناسی. علوم انسانی نیز در فضای کلی این علوم سه‌گانه ظاهر می‌شوند و از وجهی با فلسفه، از وجهی با ریاضی و از وجهی با علوم تجربی ارتباط می‌یابند.

آراء فوکو در باب پیدایش و ویژگیهای معرفت‌شناختی علوم انسانی در این فصل به بحث گذاشته می‌شود. علوم انسانی، علوم اختصاصاً مدرن‌اند. این علوم، نظیر علوم تجربی مشابه یعنی اقتصاد، لغت‌شناسی و زیست‌شناسی به تولید، زبان و زندگی می‌پردازد، اما نوع نگاه آن متمایز است. علوم انسانی به انسان نه نظیر موضوع و شیء در میان اشیاء بلکه از منظر اختصاصی‌اش یعنی فاعل شناسا، داننده‌ای آگاه و تصویرگر ذهنی اشیاء نگاه می‌کنند، و او را همچون واقعیتی تاریخی و موجودی متعین و گرفتار در پیکر

زیست‌واره، جهان تولید و دنیای زبان، از همین حیث دانندگی و تصویرگری جهانهای مذکور مطالعه می‌کنند. هر یک از علوم تجربی معادل‌هایی را در قلمرو علوم انسانی دارند. روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی به ترتیب معادل زیست‌شناسی، اقتصاد و لغت‌شناسی است.

در این فصل، مشکلات و مسائل علوم انسانی بررسی می‌شود؛ مسائلی همچون نزاع دائمی بر سر ماهیت نامطمئن و مشکوک معرفتی آنها، خصوصیات اشتقاقی و اتکای روش‌شناختی و مفهومی آنها به دانشهای فلسفی، ریاضی و تجربی، با توجه به هویت این علوم که از جایگاه و موقعیت خاص آنها در فضای شناختی عصر مدرن ناشی می‌شود. فوکو به شیوه‌ای جذاب این مشکلات را به بحث می‌گذارد و با توجه به زایش علوم انسانی در فضایی از ابهام و زندگی در سایه روشهای سایر دانشها، بر این باور است که اساساً نباید به دنبال انجام و پایانی برای جدالها و مباحث و راه‌حلی برای مشکلات شناختی علوم انسانی بود. انتقال الگوها، مدلها و مفاهیم از سایر قلمروهای معرفتی به علوم انسانی، نظریه‌جایی الگوهای سه‌گانه زیست‌شناختی، اقتصادی و روان‌شناختی، جایجایی تسلط مفاهیم کارکردی و هنجاری، و جایگاه علوم انسانی در میانه دو مرز ایدئولوژی و علم و سرانجام بحث تحلیل تعینات و دو شقه شدن خصوصیات انسان در بین دو تاییهای سه‌گانه تجربی - استعلایی، آگاهی و ناآگاهی، و عقب‌نشینی و بازگشت به اصل از دیگر مباحث مطرح شده در این فصل است. بخش پایانی این فصل به ظهور ضد علوم در مقابل علوم انسانی مدرن می‌پردازد. این ضد علوم که عبارت‌اند از مردم‌شناسی، روانکاوی و زبان‌شناسی جدید به عنوان علوم پسامدرن، برخلاف علوم انسانی مدرن، به دنبال ارائه نظریه‌ای کلی و عام در مورد انسان نیستند و در پیوند با شرایط عملی و تاریخی خاص شکل گرفته‌اند. دیرینه‌شناسی و این ضد علوم سه‌گانه در مجموع با صدایی هماهنگ خبر از احتضار و مرگ انسان می‌دهند.

از ناشرینی چون دانشگاه تهران انتظار می‌رود که نه تنها نمونه خوانانی مطلع و بادقت را به کار گیرند بلکه از حیث رسم الخط و قواعد ویرایش و سهولت و روانی متن نیز آثار خود را در بهترین سطح و استاندارد به بازار کتاب عرضه کنند

فوکو گزارشگر اسارت است و حال آنکه در تفسیر کچویان به فیلسوف آزادی تبدیل می‌شود

از نظر فوکو اکنون می‌توان به قطع شرط بست که انسان محو خواهد شد، نظیر تصویری حک شده بر شنهای کناره دریا و همراه با وی عصر و سامان معرفتی تجدد نیز به پایان خواهد رسید.

۷- مؤخره یا بخش پایانی کتاب با عنوان «حاصل یک زندگی: تلاش برای گذر از تجدد» در میان دو دیدگاه قطبی و متعارض به داوری و ارزیابی نهایی کار فوکو می‌پردازد. به نظر کچویان، همگان چه موافقین و چه مخالفین فوکو اذعان دارند که اندیشه‌های او از حیث بصیرتی که به مسائل، قلمروها و مناظر نو ایجاد می‌کند شایسته‌تر است. کسی که در پی تجربه‌های تازه و انتقال این تجربه‌هاست، ممکن است سازگاری، انسجام و ثبات نداشته باشد، اما قطعاً از خلال هر تجربه‌ای چیز یا چیزهای نوینی برای عرضه خواهد داشت.

۸- پس از ارائه خلاصه‌ای از مهم‌ترین مباحث کتاب، نوبت به بررسی نقاط قوت و ضعف آن می‌رسد. نقطه قوت اساسی این کتاب طرح دیدگاههای فوکو در خصوص دیرینه‌شناسی دانش و علوم انسانی با رجوع به منابع اصلی و به ویژه دو کتاب ارزشمند فوکو با عناوین نظم اشیاء: دیرینه‌شناسی علوم انسانی و دیرینه‌شناسی دانش است. طرح اندیشه‌های فوکو در این خصوص با استمداد از مباحث شارحین و ناقدین معروف فوکو همچون دلوز، دریفوس و رایینو، شریدان، لمرت و گیلان، پوئتلز، رورتی، راجمن، هابرماس، فروندلیه، اسمارت، تایلور، گوتینگ، ماکادو، ماهون، مجیل و بودریار صورت گرفته است که امکان آشنایی و ارزیابی اندیشه‌های فوکو از زوایای مختلف را برای خوانندگان کتاب فراهم می‌کند. این اثر می‌تواند به عنوان یک منبع معتبر خوانندگان فارسی‌زبان را با اندیشه‌های اساسی فوکو در باب مطالعات دانش دیرینه‌شناسی آشنا کند و برخی از تصورات موجود را که اندیشه‌های دیرینه‌شناختی فوکو را ناروآمد و یا کنار گذاشته شده می‌داند، تاحدی تصحیح کند.

۹- اما مهم‌ترین نقطه ضعف کتاب اغلاط تایپی و چاپی متعدد است. تقریباً کمتر صفحه‌ای را می‌توان پیدا کرد که حداقل یک غلط تایپی نداشته باشد. انتشارات دانشگاه تهران باتوجه به امکانات و تجهیزات و نیروی انسانی خود علی‌الاصول باید ویراسته‌ترین و آراسته‌ترین متنها را به چاپ برساند. حال آنکه این کتاب با اغلاط چاپی متعدد، تعهد مسئولین انتشارات دانشگاه را به چاپ بهینه آثار دانشگاهیان زیر سؤال می‌برد. امید است که کتاب در چاپ مجدد خود از این حیث به طور دقیق بازبینی شود. در عین حال از ناشرینی چون دانشگاه تهران انتظار می‌رود که نه تنها نمونه‌خوانانی مطلع و بادقت را به کار گیرند بلکه از حیث رسم الخط و قواعد ویرایش و سهولت و روانی متن نیز آثار خود را در بهترین سطح و استاندارد به بازار کتاب عرضه کنند.

۱۰- نویسنده این سطور، بنا به عرف حرفه‌ای و یا سلیقه شخصی برخی از واژه‌گزینیها و معادل‌های این اثر را نمی‌پسندد و در زیر چند مورد از ترجیحات خود را در مقابل معادل‌های انگلیسی بیان می‌کند:

واژه‌انگلیسی	معادل مورد استفاده در کتاب	معادل پیشنهادی
episteme	شناسانه یا شناسه	سامان دانایی، نظم معرفتی
analogy	مماثله	تمثیل
character	خصیصه	سرشت
dilemma	دوشاخه	معما
positivity	ثبوت	ظهور
epistemologization	معرفت‌شناسیت	سامان یافتگی معرفتی
scientificity	علمیت	علمی شدن
formalization	صوری سازی	صوری شدن
succession	تعاقب	جانشینی
dependence	اتکاء یا بستگی	وابستگی
labouring	کارآفرین	کار ورز
living	زینده	زنده
sociologism	جامعه‌شناسی‌گری	جامعه‌شناسی‌گرایی
genetic analysis	تحلیل ریشه‌ای	تحلیل تکوینی
Analytic of finitude	تحلیل تعین	تحلیل کرانمندی / تحلیل محدودیت
double	دوتایی	همزاد
actual experience	تجربه بالفعل	تجربه واقعی / تجربه کنونی
thing-in-itself	امرفی نفسه	شیء در خود
thing-for-itself	امر لنفسه	شیء برای خود

دانشهای مدرن سه قلمرو متمایز یا فضایی سه بعدی را می‌سازند: دانش فلسفی، دانشهای ریاضی و فیزیک، علوم تجربی یا دانشهایی نظیر اقتصاد، زیست‌شناسی و لغت‌شناسی. علوم انسانی نیز در فضای کلی این علوم سه‌گانه ظاهر می‌شوند و از وجهی با فلسفه، از وجهی با ریاضی و از وجهی با علوم تجربی ارتباط می‌یابند

۱۱- مؤلف هر چند به بررسی آثار فوکو در مرحله اول زندگی فکری او، یعنی توجه به حقیقت و دانایی می‌پردازد، اما اندیشه‌های فوکو در خصوص دیرینه‌شناسی دانش را بر اساس آخرین تفاسیر فوکو از خویش داوری می‌کند. شارحین فوکو همچون ژیل دلوز و آرنولد دیویدسون سه کانون توجه و گرانیکه متوالی در آثار او تشخیص می‌دهند: تحلیل‌های مربوط به نظامهای دانش، قدرت و ارتباط فرد با خویش. دلوز معتقد است که فوکو در آخرین کتابهای خود درباره تاریخ جنسیت و ذهنیت، سوژه و خود توجه می‌کند و این توجه نوین را می‌توان همچون یک تغییر بیش مورد بحث قرار داد. کچوبان سه محور کلی مطالعات فوکو را مورد بحث قرار می‌دهد و تفسیری یکدست از این مراحل ارائه می‌دهد. او با استناد به گفته‌های فوکو در جلد دوم تاریخ جنسیت نشان می‌دهد که فوکو طی همه این سالها تنها مورخ دانش و تحلیل‌گر بازیهای حقیقت بوده است. فوکو می‌گوید: «آنچه من برای سالهای سال در حفظ آن کوشیده‌ام تلاش برای جداکردن بعضی وجوهی می‌باشد که ممکن است برای نوشتن تاریخی درباب حقیقت مفید بیفتد». فوکو به بازیهای حقیقت و خطا که هستی را به لحاظ تاریخی به عنوان تجربه می‌سازند علاقمند است. فوکو نه تنها در آثاری چون دیوانگی و تمدن، تولد درمانگاه، نظم اشیاء و دیرینه‌شناسی دانش رویکردی دیرینه‌شناختی دارد بلکه در مراقبت و تنبیه و تاریخ جنسیت نیز به مطالعه بازیهای حقیقت می‌پردازد. در مراقبت و تنبیه توجه فوکو به بازیهای حقیقی است که انسانها در مقام قضا و مجازات به کار می‌گیرند و در تاریخ جنسیت نیز به مطالعه بازیهای حقیقتی می‌پردازد که انسانها از طریق آن خود را به مثابه افرادی که در جستجوی خواهشها و تمایلات خویش‌اند، می‌بینند و درک می‌کنند. بنابراین از نظر کچوبان دیرینه‌شناسی دانش مرحله‌ای کنار گذاشته شده نیست و فوکو حتی در تاریخ جنسیت هنوز به کار دیرینه‌شناسی می‌پردازد. فوکو نه تنها در دهه ۱۹۶۰ بلکه در سالهای ۱۹۸۰ و تا هنگام مرگ خویش هنوز دیرینه‌شناس است و حداکثر اینکه در مسیر تکمیل روش دیرینه‌شناسی خویش، به تبارشناسی نیز توجه می‌کند. مؤلف در این خصوص تا جایی پیش می‌رود که می‌نویسد: «دیرینه‌شناسی در صورت جدید خود یعنی تبارشناسی» (ص ۸۵).

اما دیرینه‌شناسی دانش، که گستره آن همه آثار فوکو را دربرمی‌گیرد، چیزی نیست جز تاریخ دانش و تاریخ حقیقت. او به مسائل فلسفی و معرفت‌شناسانه می‌پردازد اما از منظری تاریخی. رویکرد او میان فلسفه و تاریخ نوسان دارد. او می‌خواهد به سوالات فلسفی از طریق تاریخ پاسخ دهد. «کارهای فوکو از جنس تاریخ می‌باشند اما آنها کار یک مورخ نیستند» (ص ۲۸). بنابراین دیرینه‌شناسی یعنی تاریخ، اما تاریخی که با تاریخ سنتی تفاوت‌های فاحشی دارد و همچون تدبیری روش‌شناسانه با کار سلبی و با هدف ایجاد گسیختگی و انقطاع میان کلیتها، وحدتها و تسلسلهای مانوس و مألوف آغاز می‌شود. این تاریخ، تاریخ خاص یک فرد و همان تاریخ حال است. به نظر نویسنده کتاب آنچه در واقع مطالعات تاریخی فوکو را از کار یک مورخ جدا می‌کند مقاصد عملی متفاوت آن است. به قول خود فوکو «اینها کارهایی فلسفی بودند. مقصود نیز این بود که تعلیم دهند تا چه میزان تلاش در جهت تفکر در باب تاریخ خاص یک فرد می‌تواند اندیشه را از آنچه در خاموشی بدان می‌اندیشد، آزاد کند و در نتیجه ذهن را قادر می‌سازد به گونه‌ای متفاوت بیندیشد». بنابراین از نظر مؤلف فلسفه فوکو یک فلسفه نقادانه و حتی عملگرایانه است و «اندیشه‌های فوکو با نوعی تقدم بخشی به عمل و مایه‌های مارکسیستی‌اش» (ص ۳۲) با این تفسیر سازگاری دارد. تفسیر فوکو از ماهیت و نقش فلسفه، تفسیری در عین حال کانتی و مارکسی است: «فعالیت فلسفی جز کاری نقادانه نیست. این تکلیفی است که به یک معنا کانت بر دوش فلسفه نهاده اما به علاوه مطابق نقشی که مارکس برای آن در دوره جدید تعریف کرد، ابزاری برای تغییر است. اگر مسئله را در قالب هدف و وسیله قرار دهیم و بخواهیم این دو دید را جمع کنیم، می‌شود گفت که تغییر، هدف فلسفه و نقادی، ابزار آن می‌باشد». مؤلف

سعی می‌کند با این تفسیر، فوکو را به ریشه‌های خود بازگرداند اما فوکو در همین حد توقف نمی‌کند و «از همین جا نیز مسئله معرفت برای او صورتی متفاوت از کانت و مسئله اصلاح‌گری در طرح او شکلی متفاوت از مارکس می‌یابد». فوکو به عنوان یک اندیشمند با ریشه‌های کانتی و مارکسی، که در عین حال و برخلاف آنها از سامانه معرفتی مدرن فراتر می‌رود، چگونه اهداف فلسفی آنها را به گونه‌ای متفاوت باز تفسیر می‌کند؟

اغلب گفته می‌شود که مطالعات دیرینه‌شناسی فوکو با رویکردی ساختارگرایانه گزارشی از چگونگی اسارت انسان در محدودیتهای اندیشگی و نهادین، به ویژه در دوره مدرن، ارائه می‌دهد. بنابراین، فوکو گزارشگر اسارت است و نمی‌تواند مبشر آزادی باشد. در تفسیر کچویان، فوکو به فیلسوف آزادی تبدیل می‌شود: «وظیفه فلسفه همچنان که کانت مقرر داشته بود اندیشه به حدود است اما از نظر فوکو نه برای ماندن در آن بلکه برای درگذشتن از آن» (ص ۳۳). برای فوکو سؤال «حدود معرفت چیست؟» یک مسئله اساسی است. او به تحلیل کرانمندی انسان می‌پردازد اما برای اینکه نشان دهد شرایط آزادی انسانی از شرایط بردگی وی تفکیک‌ناپذیر است. محدودیتهای انسانی تنها ضعفهای او را تشکیل نمی‌دهند بلکه نقاط قوت او نیز هستند و «تمامی هر یک از این اشکال مثبتی که انسان از آنها درمی‌یابد که وجودش متعین و محدود است، تنها به اعتبار نفس وجود متعینش بدو داده شده است» (ص ۲۱۰).

محدودیتهای انسان صرفاً موانع بیرونی در راه حرکت او نیستند، بلکه در عین حال امکانات درونی برای تحرک‌اند. بنابراین تحلیل دیرینه‌شناختی تنها به اکتشاف محدودیتهای و زندانها نمی‌انجامد بلکه شرایط آزادی را نیز تبیین می‌کند. در این تفسیر، فوکو به قهرمان آزادی تبدیل می‌شود «او به دنبال حقایقی دیگر به وجهی بود که امکان بیشتری برای گونه‌ای دیگر بودن و آزادی انسان فراهم آورد... به این ترتیب طرح مطالعاتی فوکو کاملاً روشن می‌شود. نکته اول این است که چیزی یا چیزهایی در جهان معاصر و در جوامع غربی بر خطاست و باید تغییر کند... اگر روشن شود که این گونه اندیشه و زندگی مبتنی بر آن تنها صورتی از میان صورتهای مختلف ممکن است و این اندیشه ماهیتی تاریخی دارد و صورتی جاودانه ندارد، حداقل نتیجه آن تردید و ایجاد شکافهایی در آن بنای بی‌خلل خواهد بود. اندیشیدن به حدود تاریخی علم جدید به معنای اندیشیدن به وجوهی بیگانه با این اندیشه و تأمل در ناندیشه اندیشه غربی است. اندیشه در این باب به معنای بازکردن راه تغییر و نشان دادن چگونگی و میزان و حدود امکانی آن می‌باشد» (صص ۳۳-۳۱).

در تفسیر کچویان، دیرینه‌شناسی تنها به گستره دانایی تعلق ندارد بلکه با تحلیل ذهنیت و مفهوم خود و اخلاق نیز که کانون توجه فوکو در تاریخ جنسیت است، مرتبط است. این تفسیری از اولین کارهای فوکو در پیوند با آخرین کارهای اوست که امکان دستیابی به یک فوکوی منسجم و یکپارچه را فراهم می‌کند. اما این تفسیر گاه بیش از آن یکپارچه می‌شود که جایی برای تحلیل‌های فوکو از مرگ انسان و کرانمندی او باقی بگذارد. این تفسیر یکپارچه همزادهای سه‌گانه تولد انسان در عصر تجدد را به نفع تحلیل استعلایی، تحلیل آگاهی و تحلیل بازگشت به سرچشمه‌ها باقی نگه می‌دارد. وقتی کچویان می‌نویسد: «همه چیز نشان می‌دهد که اندیشه انسان جدید نمی‌تواند فراتر از حدودی خاص بیندیشد و محکوم به گونه‌ای خاص از اندیشیدن است»، چگونه می‌تواند آن را بدین‌گونه ادامه دهد که «فوکو به دنبال گذر از همه حدود و از جمله این حدود می‌باشد. چرا که هیچ ضرورتی نمی‌بیند

فلسفه آگاهی و سوژه حاضر

در تفسیر کچویان

با تحلیل‌های فوکو متعارض است

اگر منظور کچویان نقد اندیشه‌های فوکو

در گسیختگی دانش و لاهوت است،

البته که با ذکر چند نکته در پاورقی

نمی‌توان به مصاف وی رفت

نقطه قوت اساسی کتاب

طرح دیدگاههای فوکو با رجوع

به منابع اصلی است

که نتوان از این حدود بیرون رفت و گونه‌ای دیگر اندیشید» (ص ۳۴). کچویان در تفسیر فوکو از دوران مدرن می‌نویسد «باید دستی در کار باشد که امکان متفاوت اندیشیدن را از ما گرفته است و محدودیتها و حدود کنونی را «زندانی خود ساخته» می‌نامد.» در این تفسیر یک فلسفه آگاهی و سوژه حضور دارد که با تحلیلهای فوکو متعارض است. فوکو در مقابل فلسفه مطلق و استعلایی دکارتی به فلسفه کرانمندی کانت توجه می‌کند، اما این تفسیر، فوکو را به فلسفه مطلق نزدیک می‌کند؛ به ویژه وقتی مؤلف از فوکو تصویری فراتاریخی و ناکرانمند ارائه می‌دهد و می‌نویسد: «فوکو خود را در عرصه‌ای فراتر از اندیشه تجدد می‌بیند» (ص ۳۴).

این سخن نویسنده که فوکو «نظریه‌های علمی را ابزارهایی در دست قدرتهای سیاسی قلمداد می‌کند» (ص ۲۳۰)، با چگونگی رابطه دانش و جامعه در دیرینه‌شناسی که در سطحی متفاوت از رابطه علی و تحلیل نمادین (ص ۸۴) قرار دارد، ناسازگار است. زیرا در این صورت نظریه‌های علمی نه براساس قواعد صورتبندی موضوعی، مفهومی، بیانی و راهبردی که تنها بر اساس رابطه ابزارگرایانه با قدرتمندان شکل می‌گیرند. به نظر مؤلف، پیوند علم و تقدس به شکلی درونی و ذاتی است و حتی در حیطة طبیعت هم علم به اعتبار اینکه حقیقتی از حقایق عالم را بازگو می‌کند، می‌تواند مقدس تلقی شود و این همان تقدسی است که در نفس حقیقت وجود دارد (پاورقی ص ۱۱۳). دیدگاه تبارشناختی فوکو پیوند درونی و ذاتی علم و قدرت را آشکار می‌کند و بنابراین چگونه می‌توان مفهوم «نفس حقیقت» به معنای حقیقت فراتاریخی و مطلق را با اندیشه‌های فوکو پیوند داد. اگر منظور کچویان نقد اندیشه‌های فوکو در مورد پیامد وجودشناختی جدید در گسیختگی پیوند دیرینه میان دانش و لاهوت است، البته که با ذکر چند نکته در پاورقی یک صفحه نمی‌توان به مصاف فوکو رفت. وی مفهوم حقیقت عینی را گاه در تفسیر اندیشه‌های فوکو نیز به کار می‌برد. او می‌نویسد: «چیزی یا چیزهایی باید عوض شود، وضعیت حاضر نباید ادامه یابد» (ص ۸۹) و البته این طنینی قهرمانانه و انسان‌گرایانه دارد. علم مدرن که عامل اصلی تداوم و بقای وضعیت حاضر است بر پایه تغییراتی شکل گرفته است که «الزاماً ربطی به حقیقت و عینیت آن ندارد» و پیدایش دانش و عصری جدید می‌تواند امکان اندیشه به تصویری دیگر از جهان را فراهم سازد. البته فوکو علم مدرن را نقد می‌کند ولی نه به این دلیل که بر پایه تغییراتی شکل گرفته است که الزاماً ربطی به حقیقت و عینیت آن ندارد، زیرا این شیوه بیان به معنای پذیرش چیزی به نام حقیقت عینی است. از نظر فوکو چیزی به نام حقیقت عینی وجود ندارد اما کارگزارهای گفتمانهای مختلف، براساس یک تعهد گفتمانی از خلوص عینی و حقیقی سخن می‌گویند. و دیگر اینکه نمی‌توان با این استدلال که علم مدرن ربطی به حقیقت و عینیت آن ندارد، نتیجه گرفت که در این صورت «بنای تجدد بر آب خواهد بود». به عبارت دیگر، نمی‌توان از یک موضع فراتاریخی درباره تاریخ حال قضاوت کرد و دیرینه‌شناس نمی‌تواند محدودیت‌های کنونی را با چنین واژگانی توصیف کند، حداکثر اینکه باید نشان دهد چگونه گفتمان تجدد با ضرورت‌های ساختاری و دیرینه‌شناختی خود شکل گرفته است و چگونه می‌توان محدودیت‌های کنونی را همچون عناصری مؤثر و ضروری برای ساختن فردایی آزادتر به کار گرفت.

- کتاب‌شناسی آسیب‌های اجتماعی

جلد اول (طلاق)

- محمد علی کرباسی

- مؤسسه انتشارات امیر کبیر

- ۱۳۸۲، ۵۵۱ صفحه، ۱۵۰۰ نسخه، ۴۰۰۰ تومان



طلاق، همچون همه آسیب‌ها و پدیده‌های اجتماعی چندعاملی (multi factorial) است و کتاب حاضر مجموعه‌ای از منابع و مأخذ مربوط به ابعاد مختلف آسیب‌های خانوادگی «طلاق» را ارائه می‌دهد. مطالب به نحوی تنظیم شده که با وجود نزدیکی و تشابه موضوعه، آنها را بتوان از هم تفکیک کرد. به عنوان نمونه در بخش «حقوق طلاق» به سه دسته مطلب برمی‌خوریم:

۱- «قانون طلاق» که موازین و مواد قانونی طلاق را دربرمی‌گیرد توسط محاکم و قضات اجرا می‌شود.

۲- «طلاق و قانون» که حاوی نظرگاه‌های حقوقی و تأثیری است که قانون در گسستگی خانواده و با علاج دردهای خانواده دارد (درواقع این بخش نقد برخورد‌های قانون با مسائل حقوقی خانواده است و موفقیت یا موفق نبودن قانون در مورد طلاق را مطرح می‌سازد).

۳- «حقوق تطبیقی طلاق» که شامل منابع مقایسه‌ای بین قوانین در ایران و دیگر کشورها درباره طلاق است.

در این کتاب‌شناسی حدود ۲۲۷۰ عنوان کتاب، پایان نامه تحصیلی مقاله، گزارش‌های دولتی و به طور کلی هر گونه مطلبی را که مربوط به طلاق بوده به روش توصیفی گردآوری شده است.

عنوان بیشتر مقالاتی که شرح توصیفی ندارند، گویاست و در معرفی منابع، شیوه‌ها و موازین کتابخانه ملی مورد توجه قرار گرفته است.

کرباسی می‌نویسد: «در مورد تعدادی مطالب و مسائل مربوط به طلاق نظیر «علل روانی - زیستی طلاق» به منابع کمتری برخورد شد. به عنوان نمونه در «علل زیست شناختی و علل روانی طلاق» عوامل مربوط به اختلاف و اختلال و نارضایتی در ارتباط جنسی و علل مربوط به اختلال در برآورده نشدن نیاز فیزیولوژیک جنسی، مطالب و منابع کمتری در کتابخانه‌ها مشاهده شد و حال آنکه نبود نظم در ارتباط جنسی و طبیعی نبودن مسائل مربوط به ارتباط جنسی بین زن و مرد و عدم تأمین در این زمینه می‌تواند دلالت بسیاری از طلاقها باشد که معمولاً حتی در محاکم به دلیل قبح فرهنگی از بازگو کردن آن خودداری می‌شود و مسائل کلی و مبهم دیگری نظیر «نداشتن تفاهم اخلاقی» به عنوان دلیل طلاق مطرح می‌شود.» (ص ۲۰)

وی می‌افزاید: «تعدادی از منابع در نگاه اول ممکن است غیرقابل استفاده به نظر آیند، مانند منابع مربوط به «آمار گذشته طلاق» ولی از آنجا که هدف، تهیه کتاب‌شناسی جامعی بوده، در این مجموعه آورده شده‌اند و علاوه بر این، همین آمارها، تغییراتی داشته‌اند که در قیاس با یکدیگر گویای چگونگی دگرگونی مسائل طلاق هستند و همچنین مقایسه آمار طلاق در سالهای متفاوت، از تغییر روند طلاق در جامعه خبر می‌دهد که جای تأمل، پژوهش، تحقیق، ژرفاندگری و گذشته نگری دارد.» (ص ۲۱)

این کتاب‌شناسی منابع موجود تا نیمه اول سال ۱۳۸۰ را با موضوعات ذیل دربرمی‌گیرد: کلیات مسائل طلاق، تاریخ طلاق، انواع طلاق، آمار طلاق، روان‌شناسی طلاق، جامعه‌شناسی طلاق، مردم‌شناسی طلاق، جمعیت‌شناسی طلاق، طلاق و دین، حقوق طلاق، علل طلاق، عوارض طلاق و پیشگیری از طلاق، نمایه‌های اثر شامل نمایه نامه، نمایه مکانها، نمایه کتابها، نمایه ناشران و نمایه موضوعها و اصطلاحات است.

امیرکاوس بالازاده